



غلامرضا اعوانی: حکمت الاشراق سهروردی باعث تداوم فلسفه شد

غلامرضا اعوانی در همایش شیخ اشراق گفت: حکمت الاشراق سهروردی در واقع پاسخی صریح به غزالی است و باعث می شود که فلسفه به حیات خودش ادامه دهد.

غلامرضا اعوانی در همایش شیخ اشراق گفت: حکمت الاشراق سهروردی در واقع پاسخی صریح به غزالی است و باعث می شود که فلسفه به حیات خودش ادامه دهد.

به گزارش خبرنگار مهر، غلامرضا اعوانی در مراسم بزرگداشت روز شیخ اشراق که به همت موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران برگزار شد سخنرانی خود را درباره سهروردی و غزالی آغاز کرد و گفت: تلاشم این است که دلائلی بیاورم که سهروردی تحت تاثیر غزالی بوده است یا خیر.

وی در ادامه گفت: سهروردی با فلسفه اش جواب مقتضی به غزالی داده است و سبب تداوم فلسفه شده است و در واقع این ابن رشد نبوده که باعث شده جریان فلسفه ادامه پیدا کند بلکه سهروردی بوده است. کتاب حکمت الاشراق در واقع پاسخی صریح به غزالی است و باعث می شود که فلسفه به حیات خودش ادامه می دهد.

این استاد فلسفه یادآور شد: مراد غزالی از تکفیر فلاسفه رد فلسفه یونانی بوده است و او با نوشتن کتاب هایی مانند احیا علوم دین و مشکلات الانوار مبادی یک فلسفه بر مبنای نور را تاسیس می کند. او مخالف فلسفه یونان بود و در تهافت الفلاسفه، فلاسفه را در ۱۷ مورد متبدل و در سه مسئله آنها را تکفیر می کند.

وی افزود: اکنون ما منابع بسیاری در دسترس داریم که این منابع در دسترس گذشتگان نبود و ما باید به داوری بنشینیم. اما داوری من از غزالی این است که او تکفیر کرده است که بسیار خطرناک و اشتباه بزرگی است. غزالی در کتاب المنقذ من الضلال، فلاسفه را به دهریون، طبیعیون و الهیون تقسیم می کند و معتقد است که این سه گروه کافرنند. وی همچنین دانش هایی که فلاسفه به آن پرداخته‌اند مانند ریاضیات، الهیات و طبیعیات را تحریم کرده است.

وی افزود: خواجه طوسی وجود امام را اثبات کرده است، سهروردی هم در آثارش به وجود قطب یا امام قائل است. ویلیام جیمز کتابش را بر مبنای غزالی نوشته است و در کتابش چندین بار به غزالی اشاره می کند. غزالی علم تصوف و علم ذوقی را وارد فلسفه کرده و او باعث این شده است که علوم بحثی دچار انحطاط شود. اما سهروردی نظریه جدید معرفت شناسی وارد معرفت اسلامی کرده است و معتقد است علوم طولی است نه عرضی.

اعوانی در ادامه گفت: بر اساس این نظریه کامل ترین حکیم کسی است که جامع بین حکمت ذوقی و حکمت فلسفی باشد و نازل ترین حکمت، حکمت بحثی است. افرادی مانند ابن سینا و فارابی و ... حکیم بحثی هستند. او در واقع نظریه ای درباره سیر حکمت ارائه کرده است. بر خلاف آنچه که غزالی فلسفه را یونانی دانسته است، سهروردی می گوید که فلسفه یونانی نیست بلکه در ایران باستان بوده است و او در واقع حکمت جاویدان رامطرح می کند. همچنین تصریح می کند که فلسفه را می توان از طریق حکمت ذوقی آموخت.

اعوانی در ادامه با مقایسه مشکلات الانوار و حکمت الاشراق گفت: دستاورد دیگر سهروردی این است که عرفا را دارای حکمت ذوقی می داند و خود او بین این دو حکمت جمع بسته است. سهروردی برخلاف فلاسفه مشاء قائل است که حکمای پیش از سقراط همه دانا بوده اند، ولی ارسطو به نظر حقارت به آنها نگاه می کند و در جایی می گوید که مانند کودکانی اند که در تاریکی تیری رها کرده اند. ولی سهروردی برخلاف ارسطو آنها را سفیران الهی می داند. همچنین اساس حکمت غزالی بر اساس قاعده نور است، اما حکمت اشراق بر اساس رمز و تمثیل است در حالی که رمز و تمثیل در حکمت بحثی جایی ندارد. در سهروردی و افلاطون هر چیزی ملکوتی دارد و در واقع به عالم مثل ارتباط دارد.

وی در ادامه با طرح این سوال که نسبت اینها با غزالی چیست؟ گفت: به نظر من در تمام اینها همه این مسائل وجود دارد، اما فرق اینها فرق یک عالم با حکیم است. به هر حال این مسائلی که در فلسفه اشراق است در مشکلات الانوار هم وجود دارد؛ اولاً تعریف نور به ظاهر فی نفسه و مظهر فی نفسه، دوم انواع نور یعنی نور عارضی، نور ذاتی و نور الانوار که در سهروردی وجود دارد و در مشکلات الانوار هم آنها را می بینیم. بین نور حسی و نور عقلی هفت دلیل می آورد که فخر رازی در تفسیرش هم این انواع را آورده است.

اعوانی در ادامه یادآورد شد: اگر سهروردی را با دکارت مقایسه کنیم به نظرم هر دو قائلند که ماهیت جسم امتدادی دارد، یعنی هر جسمی تعیینی دارد. سهروردی مطرح می کند که جسم خودش قابل به تعیین نیست و آن را به عالم ملکوت نسبت می دهد. بحث دیگر مربوط است به رمز تمثیل که هم در حکمت اشراق و مشکاه الانوار غزالی مطرح است.

وی در پایان افزود: خلاصه اینکه سهروردی بعد از حمله غزالی بر فلسفه یک نظام فلسفی حاکم کرد و فلسفه را نجات داد. اما اینکه چرا غزالی در ایران موفق نبوده است، باید بگوییم چون فردی مانند سهروردی بعد از او آمده و فلسفه اشراق را تاسیس کرده که فلسفه با آن توانست حیات خودش را ادامه دهد. فخر رازی و

